

فصلنامه علامه

نشریه مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز

سال هجدهم - شماره پیاپی ۵۹

زمستان ۱۳۹۸

کار ستایی و گروه های کارگری در نظام فکری پروین*

** محمدباقر بهادری

*** افسانه سلمانی

چکیده

پروین سخنوری است که گرمی و درخشش شکل و پرباری محتوای کلامش سبب شده است که بسیاری از پژوهشگران در دیوان اشعار او غور کنند و درهای گرانبهای دریای سخنش را از دل صدف های واژه ها و بیت های اشعارش به دست آورند که در این پژوهش بنیادی و کتابخانه ای نیز یکی از مباحث کلیدی جامعه یعنی کار و کوشش به بحث گذاشته شده و نظر ها و راهکار های پروین بررسی گردیده و این نتایج به دست آمده است که در نظام فکری شاعر کار و کوشش اهمیت زیادی دارد و جوهر هستی است و در همه عالم جاری و ساری است. جوانی بهترین دوران کار و کوشش است و کارگريزان بسان مگسي اند که هر جا خوانی گسترده باشد کاسه گدایی شان آنجا گسترده است. سرزنش قضا و قدر

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۹

* تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۷

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

*** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نشانه تنبلی و غلط است و کامیابی مرهون تلاش و همت. پروین کاردانی و آگاهی از نوع و کم و کیف کار را از عوامل موفقیت در کار می داند و معتقد است که تا انسان زنده است و قدرتی در بدن دارد ملزم و موظف به کوشش است و ناله و شکایت گدایان کارگریز و تن آسا مسموع نیست؛ چراکه خُوان کرم خداوند همیشه و در همه جا گسترده است و هر کس به تناسب تلاشش از آن بهره مند است. از نظر پروین فرصت کشی نوعی دزدی و به تأخیر انداختن کارها کاهلی است؛ چون کار و وقت از هم جدایی ناپذیرند. او به شرافت کار قایل است و آن را عامل رستگاری می داند و کارگر را محترم می شمارد و گنج را حق کسی می داند که رنج می برد و کوشش در بیان او بهترین گنج است. وی با خلق مثنوی ها، قطعات، تمثیلات و قصاید مختلف و تشکیل صحنه های مناظره کوشیده ارزش و فواید کار و کوشش را نشان دهد و با تشکیل گروه های کارگری و استفاده از نماد و تمثیل در مناظرات مرغ، مور، بلبل، عنکبوت و گربه به تفهیم مطلب و اقناع مخاطب نایل آید.

واژگان کلیدی: کار، کارگر، کوشش، شعر، پروین، اندیشه

مقدمه

کار و کوشش یکی از مهم ترین موضوعات حیات بشری است که در متون دینی و ادبی ما زیاد بدان تأکید و اشاره شده و انسان کارگریز مبعوض خداوند نام گرفته است که در نگاهی گذرا به آیات و روایات و دواوین شعرا اهمیّت این موضوع و صحت این ادعا را می توان دید:

«وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و اینکه: برای انسان پاداشی جز آنچه خود کرده است نیست؟» سوره نجم، آیه ۳۹

«وَ أَنْ سَعِيَةً سَوْفَ يُرَى؛ و زودا که کوشش او در نظر آید.» آیه ۴۰ همان سوره چنانکه دیدیم قرآن واژه «سعی» را صراحتاً به کار برده و آدمی را به کار و کوشش فراخوانده و عمران و آبادی زمین را که بدون کار و تلاش محقق نمی شود از او خواسته است:

«...هُوَ أَتَشَأْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»

..اوست که شما را از زمین پدید آورده است و خواست که آبادانش دارید...» (هود،

(۶۱)

پیامبر اکرم فرموده است: «ان الله تعالى كتب عليكم السعي فاسعوا» (خدا کار و کوشش را بر شما مقرر فرمود پس در زندگی بکوشید) (کرمی، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

- من طلب شیئاً وجدّ وجد (کسی که چیزی بجوید و بکوشد می یابد) (همان: ۵۴۷)

و علی علیه السلام فرموده است: «المستمع! و الجد الجد ايها الغافل» (ای شنونده!

هشدار، هشدار، ای غفلت زده! بکوش، بکوش) (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۵۳: ۲۸۲)

«فعلیکم بالجد و الاجتهاد» (بر شما باد تلاش و کوشش) (همان: ۱۳۸۴: ۲۳۰: ۴۶۶)

- «من اعمل اجتهاده بلغ مراده» (هرکس کوشش کند به مرادش می‌رسد) (آمدی: ۱۳۶۰: ۶۱۶)

- ما ادرك المجد من فاته الجد (کسی که تلاش نکند بزرگی و بلندی را به دست نمی‌آورد)

- من حسنت مساعیه طابت مراعیه (سعی هرکس نیکو باشد مقام‌های او نیکو می‌گردد). (همان: ۶۱۳)

از آنجایی که ادبیات هر ملتی آینه تمام نمای آن ملت است که در آن، تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم، سنن و باورها و اعتقادات آن ملت و مسایل و حوادث گوناگون جامعه بشری منعکس می‌شود لذا موضوع کار و مسئله کوشش هم که از اهم مباحث اجتماعی است شاعران را با خود همراه کرده و در متون ادبی جای گرفته است که اگر از بین همه آثار فقط به اشاراتی از سعدی بسنده کنیم بر صحت این ادعا کافی خواهد بود:

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
(سعدی، ۱۳۷۲: ص ۷۱۲)

ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
(همان: ص ۷۲۴)

بکوش امروز تا گندم پاشی که فردا بر جوی قادر نباشی
(همان: ص ۸۵۵)

خجل آن کس که رفت و کار نساخت کوس رحلت زدند و بار نساخت
(همان: ص ۳۱)

گنج خواهی در طلب رنجی بپر خرمنی می‌بایدت تخمی بکار
(همان: ص ۷۲۴)

در بین سخنوران ادب ایران زمین پروین از جمله کسانی است که در اشعار خود بدین موضوع بیشتر پرداخته و با خلق قطعات و تمثیلات آموزنده و مؤثر اهمیت و ناگسستگی بودن آن را با بقا و دوام زندگی بشری بازگو کرده است که ما در این مجال و مقال در پی انکشاف و اثبات آنیم.

۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

کار و کوشش با زندگی و زنده بودن و شأن و آمال انسان چنان گره خوردگی دارد که حذف هر یکی حذف دیگری است؛ از این رو تبیین اهمیت و نقش آن در خلق تمدن‌ها، پیشرفت‌های مختلف، کامروایی‌ها و سرفرازی‌ها و هزاران مسئله دیگر برای ایجاد باور، توجه، اقبال، اقدام و عمل فردی و اجتماعی بدین موضوع از یک سو و غنای شعری و ذهن روشن و نقاد و دغدغه‌های گوناگون ملی و توجه بیشتر پروین به کار و کوشش و ستایش آن ضرورت انجام این پژوهش را نمود داد و ما را بر آن داشت به شعر پروین درآشنا و همقدم آلام مردم روی آوریم و نقد و نظرهای او را به بحث و بررسی گذاریم و معلوم داریم که آن بانوی حکیم در این باره چرا و چه و چگونه می‌گوید؟ چه نظری دارد و توصیه‌ها و مبانی فکری‌اش چیست؟ در بازتاب اهمیت موضوع و طرح مؤثر آن از چه ساختار و محتوایی مدد می‌گیرد؟

۲ - پیشینه تحقیق

پروین سخن‌سرایی نیست که شعرش در کنج غربت خاک خورد و به کار نیاید؛ چراکه او از یک سو زبان دردها، نیازها، مطالبات و مشکلات، کاستی‌ها و مسایل مختلف مردم و بلندگوی قصه‌ها و غصه‌های جامعه و تصویرگر واقعیت‌های اجتماعی است، از سوی دیگر شاعری است که هم زیبا سخن می‌گوید و هم سخن زیبا؛ لذا

سخن چنین سخنوری پیوسته در معرض مطالعه، نقد، سنجش و تفسیر پژوهشگران و صاحب نظران قرار می‌گیرد و از شکل و محتوای کلامش مجموعه‌های گوناگون فراهم می‌آید که انتشار کتاب‌ها و مقالات متعدد و برگزاری همایش‌های مختلف ناظر بدین واقعیت است. ولی علی‌رغم تحقیقات فراوان در دیوان پروین تاکنون موضوع پژوهش پیش رو با این خصوصیت و کیفیت انجام نگرفته است؛ بنابراین ضمن تازگی و بی‌سابقه بودن این پژوهش انجام یافتن آن نیز لازم و ضروری است.

۳- مواد و روش تحقیق

این تحقیق هم مثل دیگر تحقیقات حوزه ادبیات بنیادی و کتابخانه‌ای است؛ یعنی پس از انتخاب و طرح موضوع، کتاب‌ها و مقالات مربوط به آن تهیه و مطالعه شده، سپس یادداشت برداری و گردآوری اطلاعات لازم صورت گرفته پس از آن کار تجزیه و تحلیل و نگارش انجام یافته است.

۴- معنی و مفهوم کار و کوشش

کار در لغت معانی مختلف به خود گرفته است؛ مانند: شغل، عمل، آنچه از شخص یا شیی صادر شود، آنچه کرده شود، پیشه، صنعت، هنر، امر، شأن، رفتار، کردار، ممارست، اشتغال، تمرین، رنج، زحمت، حادثه، پیشامد، بنا، ساختمان، ضرورت، حاجت، احتیاج، عمل معده، وسیله معیشت، مرگ، جنگ و... (معین ۱۳۸۶، ج ۱). از این کلمه ترکیبات اسمی و فعلی زیادی ساخته شده است که از ذکر آنها خودداری می‌شود. اما کوشش به معنی سعی، جهد، جنگ و جدال، جذب و کشش، توجه، عزیمت، عمل و کردار آمده است.

کار در اصطلاح تعاریف مختلف دارد که هر علمی براساس و به تناسب حوزه وظایفی خود تعریفی جداگانه مطرح کرده است که کم و بیش تفاوت هایی با هم دارند؛ یعنی تعریف کار در تاریخ، اجتماع، اقتصاد، فیزیک، ریاضی و غیره در لفظ و معنا یکسان نیستند و این سطور هم در پی تفکیک و تحلیل آن معانی و ابضاح تشابهات و تفاوت های آنها نیست، بلکه مراد این مقال از کار، حرکتی است که برای رفع احتیاجی انجام می گیرد؛ یعنی پیگیری و انجام دادن وظایف و تکالیف گوناگون و جدیت در ساحات مختلف زندگی است که همان کوشیدن و سعی کردن مستمر است که وظیفه همیشگی یک انسان است؛ البته در حیوانات نیز متناسب با ظرفیت وجودی شان این کار و تلاش به طور غریزی به ودیعت نهاده شده است.

۵- نمود چند وجهی کار و گروه های کارگری در نظام فکری پروین

یکی از شاعرانی که در دیوانش به کار و کوشش مرتبه والا و بازتاب و نمود آشکاری داده، پروین اعتصامی است. او خود را در برابر انسانها مسئول می داند و رسالت سوق دادن انسانها به سوی حرکت، کار و کوشش را برعهده گرفته است. «استخوانبندی قسمت اعظم اشعار پروین از شعر کار تشکیل شده است... درس های پروین در زمینه کار گسترده است. شاید پس از لاهوتی بیشترین شعر در مورد کار و تلاش سروده است.» (فیوضات، مبارکی، ۱۳۷۸: ۲۹۷). این است که کار و کوشش را در وجوه گوناگون به شرح زیر نمود می دهد:

۶- ۱- اهمیت و ضرورت کار و کوشش

التزام پروین به رسالت شاعری و غمخواری او با مشکلات مردم او را وادار می کند که اساسی ترین کلید جامعه را به بحث گذارد و در باره اش سخن گوید؛ از این رو کار

و کوشش را می ستاید و مخاطب را به سوی آن می خواند که برود بکوشد و کار کند و امروز را دریابد؛ چرا که فردا توان کوشیدن و کارکردن نخواهد داشت و راه نجاتش بسته خواهد شد:

فردا زتو ناید توان امروز روکار کن اکنون که وقت کار است
آن کس که از این چاه ژرف تیره با سعی و عمل رستگارست
(پروین، ۱۳۸۵: ۸۰)

کردار تو را سعی رهنمون است گفتار تو را عقل ترجمان است
(همان: ۸۹)

به مقصدی نرسی تا رهی نیمایی مدار بیم ازین اسب بی فسار و لگام
چو وقت کار شود باش چابک اندر کار چو نوبت سخن آید ستوده گوی کلام
(همان: ۱۱۰)

۶-۲- کار و تلاش جوهر هستی

«پروین برای به حرکت درآوردن نیروی کار و حرکت در مخاطب، از کوشش همه مخلوقات سخن می گوید و همه موجودات را به نوعی در تکاپو و انجام وظیفه می داند؛ لذا آدمی را که احسن و اکمل مخلوقات است، شایسته تنبلی و بیکاری نمی داند.» (سبزیان پور، باقری، ۱۳۸۹: ۱۵) و در حال کار دانستن همه مخلوقات عالم توصیه می کند زمانی که، «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند» انسان نیز باید به دنبال کار و تلاش باشد.

به جایی که بار است بر پشت مور برای تو، این بار، بسیار نیست
نشاید که بیکار مانیم ما چو یک قطره و ذره بیکار نیست

(اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

این جویبار خرد که می بینی از جای کنده صخره صمّا را

(همان: ۱۸۵)

از خاک تیره لاله برون کردن دشوار نیست ابر گهر زا را

(همان: ۱۸۶)

پروین نه تنها مردان، بلکه زنان را نیز، موظف به کار و تلاش در عرصه زندگی

می داند:

به روز حادثه اندر یم حوادثِ دهر امید سعی و عمل هاست، هم از این، هم از آن

(همان: ۱۶۸)

۶ - ۳ - بهترین زمان برای کار و تلاش

پروین علاوه بر اینها در جای دیگر دیوانش نیز از نقش ارزنده و تلاش در زندگی

انسانها سخن می گوید و دوران جوانی را بهترین دوران برای کوشیدن می داند:

به روزگار جوانی خوش است کوشیدن چرا که خوشتر از این وقت و روزگاری نیست

(همان: ۲۰۱)

هشدار که توش و توان پیری سعی و عمل موسم شبابست

(همان: ۱۳۵)

جوانی، گه کار و شایستگی است گه خودپسندی و پندار نیست

(همان: ۱۳۵)

جوانی و تدبیر و نیروت هست به دست تو، این کارها کار نیست

(همان: ۱۷۱)

۶-۴- پرهیز از کاهلی و محتاج بودن به دیگران

کار و دوری از کاهلی یکی از پایه‌های اندیشه و فلسفه پروین است. پروین هر چند به مثال زاهدان، دوری از دنیا پرستی و ماده‌گرایی را نفی می‌کند، «اما این زهد در پروین برخلاف مرتاضان از دنیا بریده، پیوسته آمیخته با فرمان کار و کوشش ثمربخش به یاری روان پاک و آسوده است» (ناظر، ۱۳۷۰: ۴۰۹)، نه در کنج خانه‌ای خزیدن و وابسته دیگران بودن. پروین وابستگی به دیگران را ننگ بزرگی می‌داند و انسان کاهل را به مگسی تشبیه می‌کند که هر کجا خوانی است، آن آنجاست:

ننگ است به خواری طفیل بودن مانند مگس هر کجا که خوانست

(اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۳)

کاهلیت خسته و رنجور کرد درد تو دردیست که کارش دواست

(همان: ۱۹۸)

کارگران طعنه می‌زنند به کاهل اهل هنر خنده می‌کنند به نادان

(همان: ۲۳۵)

ز بازوی خود، خواه برگ و نوا تو را برگ و توشی در انبار نیست

(همان: ۱۳۵)

مزدور خفته را ندهد مزد، هیچ کس میدان همت است جهان، خوابگاه نیست

(همان: ۱۳۶)

ز نزد سوختگان، بی‌خبر نباید رفت زمان کار نباید به کنج خانه خزید

(همان: ۱۵۰)

پروین افرادی را که، تنبلی و سستی خود را به حساب قضا و قدر و زمانه و

دیگران می‌گذارند، سرزنش می‌کند:

تو شدی کاهل و از کار بری گشتی نه زمستان گنهی داشت نه تابستان

(همان: ۲۳۷)

کاهلی بیخ تو بر کند، نه ناچاری چرخ دندان تو بشمرد نخستین روز

(همان: ۲۴۷)

کسی بزرگ نگردد مگر ز کار بزرگ گر از تو کار نیاید، زمانه را چه گناه

(همان: ۱۸۶)

۵-۶- لزوم کاردانی و کار آگاهی

از نگاه پروین، یکی از عوامل مهم موفقیت در کار، کاردانی و آگاهی از نوع کار است، که پروین با تعابیری چون «کاردانی»، «کارشناسی» و «کارآگاهی»، این موضوع مهم را در ابیات زیر بیان می کند:

گر چه دشوار بود کار و برومندی همت و کارشناسی کند آسانش

(همان: ۲۲۸)

کار را کارگر نیک دهد رونق چه کند کاهل نادان تن آسانش

(همان: ۲۲۹)

چو کارآگهان کار بایست کردن چه رسم و رهی بهتر از کاردانی

(همان: ۲۵۵)

تمام کارهای ما نمی بودند بیهوده اگر در کار می بستیم روزی کاردانی را

(همان: ۱۹۰)

جواب داد که آئین کاردانان نیست به خواب جهل فزودن، ز کار کاهیدن

(همان: ۱۷۰)

۶-۶- کار تا زمان وجود تندرستی و توان بازو

پروین معتقد است تا زمانی که انسان در تندرستی به سر می برد و از نیرو و توانی برخوردار است، نبایست از کار و تلاش دست کشد. از این رو در بیت زیر این مسئله را با یک استفهام بلاغی، در معنای توبیخ بیان می کند و بر مخاطب نهیب می زند که تا توان دارد، باید کار کند:

چرا تا زَرّ و داروئیت هست از درد بخروشی چرا تا دست و بازوئیت هست از کار وامانی (همان: ۲۵۰)

و در ابیات دیگر در این باره می سراید:

نان خود از بازوی مردم مخواه گر که تو را بازوی زور آزماست

(همان: ۱۱۱)

ز بازوئیت نربودند تا توانایی زمان خستگی و عجز و ناتوانی نیست

(همان: ۱۳۴)

پروین در قطعه سرود خارکن از زبان خارکن سخنان آموزنده ای درباره کار و استفاده از نیروی تندرستی برای کار کردن، بیان می کند:

نبایست بر خیره از پا فتاد چو جان خسته و جسم بیمار نیست
قوی پنجه ای، تیشه محکم بزن هنرمند مردم، سبکسار نیست

(همان: ۱۳۵)

«اگر فقر در نتیجه تن پروری و کاهلی به وجود آید پسندیده نیست و پروین نیز- با آن که طرفدار تهی دستان است- گدایان را که به علت تنبلی به گدایی می پردازند، سخت سرزنش می کند.» (دهباشی، ۱۳۷۰: ۲۲۰). در مثنوی خوان کرم، پروین، قصه درویشی را به سلک کلام می کشد که به خاطر فقر بر درگاه خداوند می نالید:

شد پریشانی چو باد و من چو کاه پیش باد، از کاه آسایش نخواه
 آسمان، کس را بدین پستی نکشت چون من از درد تهیدستی نکشت
 هیچ کس مانند من، حیران نشد روز و شب سرگشته بهر نان نشد
 پیش من خوردند مردم نان گرم من همی خون جگر خوردم ز شرم
 دیده‌ام رنگی ندیدم از رخت نو سیر، یک نوبت نخوردم نان جو
 (اعتصامی، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۵)

او سپس از خداوند گله و شکایت نمود و خداوند را سبب فقر و نداری خویش
 معرفی کرد:

این ترازو، گر ترازوی خداست این کژی و نادرستی از کجاست
 آبرو بردم، ندیدم از تو روی گم شدم، هرگز نکردی جستجو
 (همان: ۵۵)

خداوند ودود بر گوش دل او گفت: خوان کرم ما همواره گشوده است، اگر تو از
 قدرت بازوی خود بهره می بردی و با تلاش و کوشش قدمی برمی داشتی، مهمان این
 خوان می شدی:

تا منت نزدیک آیم بیست گام	تو به راه من بنه گامی تمام
آنچه می‌بایست دادن، داده‌ایم	ما تو را بی توشه نفرستاده‌ایم
درهمی گر هست، دیناری کنی	دست دادیمت که تا کاری کنی
وارهانی خویش را از تنگنای	پای دادیمت که باشی پا به جای
بر تو راه زندگی، روشن کند	چشم دادم تا دلت ایمن کند
خیرگی ها دیدم از یک مشت خاک	بر تن خاکی دمیدم جان پاک
شاهد بخت است و در پهلوی تست	این توانایی که در بازوی تست

گنج‌ها بخشیدمت، ای ناسپاس که نگنجد هیچ کس را در قیاس
عارفان، چون دولت از ما خواستند دست و بازوی توانا خواستند

(همان: ۵۵)

پروین معتقد است نورِ حقّ همواره می‌تابد و انسان باید با تلاش خود از این نور بهره‌مند گردد و نعمت جسم و جان را در راه کار و تلاش به کار بندد:

چون که تن فرسودنی و بینواست گر هم از کارش بفرسایی، رواست

(همان: ۶۸)

۶-۷- استفاده از فرصت برای کار و کوشش

از مسائل مهمّ در انجام کار، به روز بودن و انجام کار در وقت تعیین شده است. شاعر با اشاره به این نکته که روزگار، چون دزدی غارتگر کالای عمر آدمی را به تاراج می‌برد، از دست دادن فرصت‌ها و بی‌توجهی به کار و کوشش را نوعی همدستی با روزگار غارتگر می‌داند.

چه می‌دزدی از فرصت کار و کوشش؟ تو خود نیز کالای دزد جهانی

(همان: ۲۵۶)

پروین در چند جای دیوان خود آدمی را از به تأخیر انداختن کارها بر حذر می‌دارد. وی با توجّه به کوتاه بودن عمر انسان، به مخاطب توصیه می‌کند از وقت خود برای تلاش و کوشش و همّت بهره‌برد و آن هنگام که وقت کار فرارسید باید کار کند و بکوشد:

همّت گهر وقت را ترازوست طاعت شتر نفس را مهار است

(همان: ۱۹۴)

چو وقت کار شود، باش چابک اندر کار چو نوبت سخن آید، ستوده گوی کلام

(همان: ۲۳۲)

زر وقت، باید به کار آزمود کزین بهترش، هیچ معیار نیست

(همان: ۱۳۵)

پروین به مخاطبان خود توصیه می کند که مبادا به امید فردایی که آمدنش بر کسی روشن و معلوم نیست، نقد امروز را از کف دهند:

فردا ز تو ناید توان امروز رو کار کن اکنون که وقت کار است

(همان: ۱۹۴)

چو کار تو ز امروز مانند به فردا چه کاری کنی چون به فردا نمائی

(همان: ۲۵۵)

گر بنایی هست باید پرفراشت ای بسا امروز کان فردا نداشت

(همان: ۳۱)

جهد را بسیار کن، عمر اندکی است کار را نیکو گزین، فرصت یکی است

(همان: ۶۷)

به وقت همت و سعی و عمل، هوس راندیم به روز کوشش و تدبیر، آرزو کردیم

(همان: ۲۳۴)

پروین معتقد است که پارگی های زمان را تنها با کار می توان رفو کرد و کار وسیله ای است برای جبران زمان از دست رفته :

کاردانان چون رفو آموختند پاره های وقت برهم دوختند

عمر را باید رفو با کار کرد وقت کم را با هنر، بسیار کرد

(همان: ۶۸)

شاعر بیان می کند که کار و وقت نباید از هم جدا شوند و چون این دو از هم جدا

شوند، هر دو تباه خواهند شد:

کار را از وقت، چون کردی جدا این یکی گردد تباه، آن یک هبا

(همان: ۶۸)

۶-۸- کار و تلاش عامل کمال و رستگاری انسان

پروین راه سعادت، کمال و رستگاری آدمی را در کار و تلاش می‌داند و معتقد است کار و تلاش موجب آسایش و عافیت آدمی می‌شود و انسان با سعی و عمل رستگار و از تاریکی‌ها رها می‌گردد و به کمال می‌رسد:

آن کس که از این چاهِ ژرفِ تیره با سعی و عمل رست، رستگار است

(همان: ۱۹۵)

زان پراکندند اوراق کمال تا به کوشش جمله را گرد آوریم

(همان: ۲۳۴)

سعی کن، ای کودک مهد امید سعی تو بنا و سعادت بناست

(همان: ۱۱۱)

بس چون تو، پرندگان گمنام جستند ره خلاص و جستند

با کوشش و سعی خود، سرانجام در گوشه‌ عافیت نشستند

کوشنده همیشه رستگار است

(همان: ۱۶)

چالاک و دلیر و کاردان باش در وقت حصاد و خوشه‌چینی

آسایش کارگر ز کار است

(همان: ۱۷)

۶-۹- به دست آوردن گنج در مقابل رنج

پروین بیان می کند که هیچ گنجی بدون رنج و تلاش به دست نخواهد آمد و کسی که رنج کشید و کوشش کرد، به گنج دست خواهد یافت:

در قیمت جان از تو کار خواهند این گنج میندار رایگانست

(همان: ۲۰۴)

آسوده آنکه در پی گنجی کشید رنج شاد آنکه چون منش، قدمی بود استوار

(همان: ۲۲۱)

راحت آن را رسد که رنج برد خرمن آن را بود که برزگر است

(همان: ۱۱۳)

وی همچنین بهترین سرمایه و گنج را تلاش آدمی می داند:

عقل و رای و عزم و همت، گنج تست بهترین گنجور، سعی و رنج تست

(همان، ص ۵۵)

۶-۱۰- دفاع از حقوق کارگر

پروین احترام خاص و ویژه ای به قشر کارگر دارد:

کارگر هر که هست محترم است هرکسی در دیار خود کسی است

(همان: ۱۱۵)

و در دیوان خود بارها به احیای حقوق پایمال شده کارگران برخاسته است.

پروین رسالتی دارد که از نیروی کار می بایست دفاع کند. او در مقابل رضا شاه که

کارگر را «عمله» می خواند، به کارگران آگاهی می دهد و به آنان راه و چاه را نشان

می داد. او بر نظام کهنه می تازد و نا کارآمدی آن را عریان می نماید:

تا به کی جان کندن اندر آفتاب ای رنجبر ریختن از بهر نان از چهر آب ای رنجبر

زین همه خواری که بینی ز آفتاب و خاک و باد چیست مزدت جز نکوهش یا عتاب ای رنجبر

از حقوق پایمال خویشان کن پرسشی چند می ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر
(همان: ۲۲۲)

«پروین در دورانی زندگی می کرد که ارزش نیروی کار در ایران سخت پایین بود. و از طرفی کشور همسایه با انقلاب کارگری ترسی در دل حکومت انداخته بود. با کارگران و تشکّل های آنان دشمنی می ورزید و می کوشید که از کار چیزی نشنود و نامی از آن برده نشود و باید شکل نامأنوس «عمله» اطلاق شود.» (فیوضات، مبارکی، ۱۳۸۷: ۲۹۷)

در چنین شرایطی پروین گویی رهبر این تشکّل هاست و در اشعار خود، مخاطبان را از وضع اسفناک کارگران آگاه می سازد. او در سیاسی ترین شعر خود - صاعقه ما ستم اغنیاست - از زبان کارگری بینوا، واقعیات زندگی کارگران را به تصویر می کشد:

غله نداریم و گه خرمن است	همیشه نداریم و زمان شتاست
قوت، به خوناب جگر می خوریم	روزی ما، در دهن اژدهاست
حاصل ما را، دگران می برند	زحمت ما زحمت بی مدعاست
از غم باران و گل و برف و سیل	قامت دهقان، به جوانی دوتاست
سفره ما از خورش و نان، تهی است	در ده ما، بس شکم ناشتاست
رنجبر، ار شاه بود وقت شام	باز چو شب روز شود، بی نواست
چند شود بارکش این و آن	زارع بدبخت، مگر چارپاست
گشت حق کارگران پایمال	بر صفت غله که در آسیاست

(اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

در دیوان پروین کشاورزان و دهقانان از جمله کارگرانی هستند که بیشترین ناحقی بر آنها روا می‌شود؛ پروین حتی در غزلیات خود به جای عاشقانه سرودن، به درد این کارگران می‌پردازد و در غزل «آرزوها ۲» می‌سراید ای خوشا :

از تکلف دور گشتن، ساده و خوش زیستن ملک دهقانی خریدن، کار دهقان داشتن رنجبر بودن، ولی در کشتزار خویشتن وقت حاصل خرمن خود را به دامان داشتن روز را با کشت و زرع و شخم آوردن به شب شامگاهان در تنور خویشتن نان داشتن (همان: ۱۰۳)

سیاست‌های ارضی دوره پادشاهی رضاخان باعث شد شصت درصد از کشاورزان، زمین‌های کشاورزی خود را از دست دادند و فاقد زمین شدند. پروین آرزو می‌کند کاش روزی رسد که کشاورزان و دهقانان در زمین خود، از حاصل دسترنج خود بهره‌مند گردند.

«نغمه رفوگر» نغمه و ناله کارگری خیاط است که تمام جوانی و عمر خود را برای کارگری و رفوگری صرف کرده است. پروین از زبان پیرزن رفوگر بیان می‌کند که کارگران حتی جسم خود را در راه کار و کارگری از دست می‌دهند اما در برابر آن چیزی به دست نمی‌آورند.

من به هر جایی که مسکن می‌کنم	با من آنجا بخت بد، هم مسکن است
چیره شد چون بر سیه، موی سپید	گفتم اینک نوبت دانستن است
گر نهم امروز، این فرصت ز دست	چاره‌ام فردا به خواری مردن است
جامه‌ها کردم رفو، اما به تن	جامه‌ای دارم که چون پرویزن است
این همه جان کندن و سوزن زدن	گور خود، با نوک سوزن کندن است
خیره از من زیرکی خواهد فلک	کارگر، هنگام پیری کودن است

من به صد خونابه، یک نان یافتم
 نان نخوردن، بهتر از خون خوردن است
 ارزش من، پاره‌دوزی بود و بس
 این چنین ارزش، به هیچ ارزیدن است
 سوزنش صد نیش زد، این خیرگی
 دست مزد دست لرزان من است
 (همان: ۱۲۱-۱۲۲)

۱۱-۶ - تمثیل‌ها و گروه‌های کارگری

پروین با استفاده از نمادها و سمبل‌های حیوانی و تشکیل گروه‌های کارگری از میان آنها قصد دارد انسان‌ها را از این طریق به سمت کار و کوشش هدایت کند.

الف - عنکبوت: پروین در مثنوی «جولای خدا» مناظره‌ای از زبان شخص کاهل تن پرور و عنکبوتی تلاشگر را ترسیم می‌کند. در این مناظره شخص کاهل، عنکبوت را به خاطر تلاش و زحمتش مورد تمسخر قرار می‌دهد و زحمات و تلاش‌های او را سرسری و بی‌ثمر می‌خواند.

کوه‌ها کارست در این کارگاه
 کس نمی‌بیند تو را، ای پرکاه
 می‌تنی تاری که جاروبش کنند؟
 می‌کشی طرحی که معیوبش کنند؟
 هیچ‌گه عاقل نسازد خانه‌ای
 که شود از عطسه‌ای ویرانه‌ای
 پایه می‌سازی ولی سست و خراب
 نقش نیکو می‌زنی، اما بر آب

(همان: ۲۹)

عنکبوت که دوک همت را به کار انداخته و در راه حضرت دوست به تکاپو پرداخته، راه سعی و عمل را در پیش گرفته است و مانند همه کاردانان، تا فرصت باقی است کار می‌کند. پروین عنکبوت را جولای خدا می‌داند و کار و تلاش او را، در مسیر الهی می‌داند. عنکبوت بیان می‌کند که این جهان کارگاهی است که کارفرمایش خداست و این کارفرما جز به کوشش راضی نمی‌شود.

علم ره بنمودن از حق، پا ز ما	قدرت و یاری از او، یارا ز ما
تو به فکر خفتنی در این رباط	فارغی زین کارگاه و زین بساط
در تکاپوییم ما در راه دوست	کارفرما او و کارآگاه اوست
کار ما گر سهل و گر دشوار بود	کارگر می خواست، زیرا کار بود
ما نمی بافیم از بهر فروش	ما نمی گوئیم کاین دیبا پوش
سعی کردیم آنچه فرصت یافتیم	بافتیم و بافتیم و بافتیم

(همان: ۲۹-۳۰)

عنکبوت کار خود را هر چند اندک، با ارزش می خواند و بر شخص کاهل می تازد

که با کاهلی خود فرصت ها را از دست داده است:

کار ما این گونه شد، کار تو چیست؟	بار ما خالی است، دربار تو چیست؟
خانه من از غباری چون هباست	آن سرایی که تو می سازی کجاست؟
ما زدیم این خیمه سعی و عمل	تا بدانی قدر وقت بی بدل
گر به کار خویش می پرداختی	خانه ای زین آب و گل می ساختی
می گرفتی گر به همّت رشته ای	داشتی در دست خود سر رشته ای
عنکبوت، ای دوست، جولای خداست	چرخه اش می گردد، اما بی صداست

(همان: ۳۱)

اینکه پروین کار و تلاش عنکبوت را در مسیر خدا می داند، از نگاه عارفانه او سرچشمه می گیرد. «در نگاه عرفانی بحث سود و زیان مطرح نیست و کارکن به دنبال این نیست که چه به دست می آورد و چه از دست می دهد، مهم این است که کار و عمل او در نزد اهل بینش و بصیرت و به ویژه دوست که همان خداست چه جلوه و مقبولیتی دارد.» (اکبری، ۱۳۸۶: ۴۰)

ب - گربه: در مثنوی «کار آگاه»، پروین داستان گربه‌ای را به تصویر می‌کشد که پیر شده است و گرسنه مانده است. او که در ابتدا برای کسب معاش خود سرباز می‌زند، در ادامه به تلاش و دوری از تنبلی روی می‌آورد، تا شکم گرسنه‌اش را با همّت و تلاش و استفاده از زمان، سیر کند. با کمی تفکّر و اندیشه در این مثنوی، متوجّه می‌شویم که گربه تمثیلی از انسان است که تا تلاش نکند، از روزی و رفاه بهره‌ای نمی‌برد. گربه نماد انسان‌های کاردانی است که از هر فرصت و ابزاری برای کار و تلاش استفاده می‌کنند.

گر بیه پیری، ز شکار اوفتاد	زار بنالید و نزار اوفتاد
از طمع و حمله و پیکار ماند	کارگر از کار شد و کار ماند
تیره شد آن دیده‌ی آئینه‌وار	گرسنه ماند، آن شکم بی‌قرار
گربه چو دید آن ره و رسم تباه	پای کشان، کرد به انبار راه
گفت به خود، کاین چه در افتادنت	تا رمقی در دل و جان در تن است
زنده‌ام و موش نترسد ز من!	مردهام از کاهلی خویشتن
گر چه نمی‌آیدم از دست، کار	آگهم از کار گه روزگار
گر چه مرا نیروی پیکار نیست	موش از این قصّه، خبردار نیست
به که از امروز شوم کاردان	تا که به کاری بردم آسمان
گربه چو آن همّت و تدبیر کرد	آن شکم گرسنه را سیر کرد
تا نرود قوت بازوی تو	نشکند ایام، ترازوی تو
بر همه کاری، فلک افزار داد	پشت قوی کرد، سپس بار داد

(اعتصامی، ۱۳۸۹: ۳۵)

ج - مرغ: از دیگر مخلوقات خداوند که برای کسب روزی در تلاش و تکاپوست، مرغ است. وی در مسمطی پرنغز مرغکی را همراه و دمساز فکر و خیال خود می کند و با او به صحبت می نشیند و بیدارش می کند و راه چاره بدو می نمایاند و درپند پدرانه ای به مرغک می گوید: ای مرغک کوچک! در آشیانه منشین و به پرواز درآ و پریدن آموز؛ چرا با حرکات و رفتار کودکانه خود را مشغول کرده ای و در باغ و چمن نمی رمی؛ در پی آب و دانه نمی افتی؛ برای آینده ات نمی کوشی؛ از خطرهای نمی هراسی؛ فرق دام و دانه را نمی شناسی و قدر لانه امن را نمی دانی؟ آیا می دانی در ساختن این لانه چقدر پدر و مادرت کوشیده و سختی کشیده و کار کرده اند؟ آیا می دانی پدر و مادرت چقدر صبر کرده و منتظر مانده اند تا تو از تخم بیرون آیی و قد کشی و بزرگ شوی؟ آنها تو را آب و دانه دادند و پریدن آموختند تا خود برای اداره زندگی ات تلاش کنی و صاحب زندگی جدید و دارای اولاد شوی و جای آنها را بگیری. تو باید برخیزی و بکوشی و حاصل دسترنج و سعی و عمل خود را بخوری و نتیجه زحمات مادرت را که از دنیا رفته و وظیفه کار و تشکیل زندگی و حفظ و آبادی لانه را بر دوش نهاده است به ثمر برسانی و نگذاری تلاش های او بی ثمر شود. پروین در این قطعه در اصل با انسان سخن می گوید و مرغ را تمثیل انسانی می داند که برای به دست آوردن روزی خود، باید به دنبال کار و تلاش باشد و با نغمه دل انگیز صبح، آهنگ کار و فعالیت سردهد و حتی اگر دام صیادان در کمین باشد، از تلاش باز نماند. شاعر در این ابیات مخاطب را متنبه می کند و ضمن توصیف کوشش سعی می کند با ابیات پرحرارت و ترکیب ها و هماهنگی های کلامی در دل مخاطب نفوذ یابد و تأثیر گذارد. او در این مسمط دوباره تلاش را عامل رستگاری می خواند و به کوشش کردن تأکید می کند:

ای مرغک رام گشته در دام برخیز که دام را گستند
 پر میزن و در سپهر بخرام کز پر شکن تو، پر شکستند
 بس چون تو، پرندگان گمنام جستند ره خلاص و جستند
 با کوشش و سعی خود، سرانجام در گوشه‌ی عافیت نشستند
 کوشنده همیشه رستگار است

همسایه باغ و بوستان باش تا چند کناره می‌گزینی
 چون چهره صبح، شادمان باش تا چند ملول می‌نشینی
 هم صحبت مرغ صبح خوان باش تا چند نژندی و حزینی
 چالاک و دلیر و کاردان باش در وقت حصاد و خوشه‌چینی
 آسایش کارگر ز کار است

(همان: ۱۶-۱۷)

د - مور: در فرهنگ اسلامی و ایرانی مور نماد تلاش، حرکت و کار و خستگی
 ناپذیری است. پروین نیز که در خانواده‌ای مسلمان و مذهبی رشد یافته و در سایه پدر
 ادیبش با ادبیات ایران به خوبی آشنا شده، از این فرهنگ ناب بهره مند است. ابیات و
 اشعار زیادی در دیوان پروین موجود است که پروین به مور و سعی او اختصاص داده
 است. وی به انسان‌ها توصیه می‌کند تا کار و تلاش و بردباری را از مور بیاموزند:

اندرز کرد مورچه فرزند خویش را گفت این بدان که مور تن آسان نمی‌شود

(همان: ۲۱۵)

بروز مورچه آموز بردباری و سعی که کار کرد و شکایت ز روزگار نکرد

(همان: ۲۱۶)

به جایی که بار است بر پشت مور برای تو، این بار، بسیار نیست

(همان: ۱۳۶)

وی در غزل «آرزوها ۱» آرزو می‌کند تا چون مور، با همّت و پرتلاش باشد:

همچو مور اندر ره همّت همی پا کوفتن چون مگس همواره دست شوق بر سر داشتن
(همان: ۱۰۲)

در قصیده «مور و مار» گفتگو بین مور و مار اتفاق می‌افتد. مار، مور را به خاطر
خردی و نزاری و کشته شدنش در گذرگاه، مورد تمسخر قرار می‌دهد. مار بیان می‌کند
که تو به خاطر دانه کوچکی عمر خود را تلف می‌کنی اما من با جسم کوچکم
جسم‌های زورمندی را سرد کرده‌ام.

همچون تو، ناتوان نشنیدم به هیچ جا هر چند دیده‌ام چو تو جنبندگان هزار
غافل چرا روی، که کشندت چو غافلان پشت از چه خم کنی، که نهدت به پشت بار
(همان: ۲۲۱)

مور که نماد تکاپو و چالاکی است، از افتادن هزار باره خود نا امید نمی‌شود و به
رغم سختی‌های راه زندگی‌اش، شکایت از سختی کار نمی‌کند و جز کار و تلاش،
وظیفه‌ای برای مورچگان تعریف نمی‌کند:

خندید مور و گفت، چنین است رسم و راه از رنج و سعی خویش، مرا نیست هیچ عار
بیهش چه خوانیم، که ندیدست هیچ کس مانند مور، عاقبت اندیش و هوشیار
من، دانه‌ای به لانه کشم با هزار سعی از پا دراوتم به ره اندر، هزار بار
از کار سخت خود نکنم هیچ شکوه، زانک ناکرده کار، می‌توان زیست کامکار
(همان: ۲۲۱)

در مثنوی «سعی و عمل»، پروین با الهام گرفتن از داستان قرآنی و آموزنده
حضرت سلیمان و مور، حکایت از استقامت و تلاش مور دارد. ابیات نخستین این قصه
با وصف تلاش فراوان مور آغاز می‌شود که حضرت سلیمان شاهد آن است:

به راهی در، سلیمان دید موری که با پای ملخ می کرد زوری
 به زحمت، خویش را هر سو کشیدی وزان بار گران، هر دم خمیدی
 ز هر گردی، برون افتادی از راه ز هر بادی، پریدی چون پر کاه
 چنان در کار خود، یکرنگ و یکدل که کار آگاه، اندر کار مشکل
 چنان بگرفته راه سعی در پیش که فارغ گشته از هر کس، جز از خویش
 نه اش پروای از پای اوفتادان نه اش سودای کار از دست دادن

(همان: ۸۸)

حضرت سلیمان، مور را به بهره‌مندی از خوان میهمانی اش دعوت می‌کند و از او می‌خواهد خود را این گونه به رنج مبتلا نکند و با پیوستن به بارگاه او، عمر خود را با آرامش سپری کند. اما مور از وضع موجود خود اظهار رضایت و بی‌نیازی می‌کند و خود را سلیمان ملک خود می‌داند:

چو اندر لانه خود پادشاهند س نوال پادشاهان را نخواهند
 نیفتد با کسی ما را سر و کار که خود، هم توشه داریم و هم انبار
 بکوش اندر بهار زندگانی که شد پیرایه پیری، جوانی
 چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن
 هر آن موری که زیر پای زوریست سلیمان‌یست، کاندر شکل موریست

(همان: ۸۹)

مثنوی «بلبل و مور» از دیگر مناظراتی است که در آن پروین، کار و تلاش و تکاپوی مور را به تصویر می‌کشد. آغازگر مناظره، بلبلی مغرور است که زیبایی فصل بهار او را سرمست کرده است و با دیدن مور، او را به خاطر کار و تلاشش به تمسخر می‌گیرد و از او می‌خواهد تا به خوشگذرانی در طبیعت بپردازد:

پروین در تمثیل شیرین و درس‌آموز دیگر ضمن انعکاس قدرت شاعری و توان نکته‌دانی خود اهمیت و لزوم سعی و تلاش را نیز تبلور می‌دهد و می‌گوید:

بلبلی که سرمست جمال و زیبایی گل بود در فصل بهار شادمان و طربناک در
چمنزاری مشغول نغمه‌خوانی و رقص بود و از این سو بدان سو می‌پرید و به فکر
زمستان و نیازهای آن نبود مورچه‌ای را در پای درختی در حال کار و بارکشی و
کوشش دید و مشاهده کرد که هرگز در پی سرگرمی و خوشگذرانی نیست و خستگی
نمی‌فهمد؛ لذا با غرور خطاب به مورچه گفت: امروز روز خوشی و لذت است نه کار
و تلاش و توشه انداختن. بهار آمده و نوروز و جشن و باد و باران و آواز خوش
مرغان همه جا را فراگرفته باید از این زیبایی‌ها لذت ببری نه اینکه این ایام جان‌فزا را
با کار بگذرانی:

روز نشاط است، گه کار نیست وقت غم و توشه انبار نیست
هان مکش این زحمت و مشکن کمر هین بنشین، می‌شنو و می‌نگر
همرهی طالع فیروزبین دولت جان پرور نوروز بین
نغمه مرغان سحرخیز را معجزه ابر گهرریز را

(همان: ۴۸)

مورچه در جواب بلبل گفت: تو در غفلتی و عشق شادی و خوشی چشم و هوشت
را بسته و متوجه نیستی که این طراوت‌ها و سرسبزی‌ها و آواز مرغان و قهقهه کبک‌ها
هفته‌ای بیش دوام نخواهد داشت و زمستان به سرعت فرا خواهد رسید، لذا به فکر
توشه و خانه باش و مایحتاج زمستان را فراهم نما. به جای سخن گفتن، دست به کار
شو؛ چرا که کار و تلاش ارزشمندتر از حرف زدن است. مثل من به زور بازو و
دسترنج‌های خود تکیه کن و روزی جمع کن و سختی بکش و عرق بریز؛ اگر چنین

نکنی روزگار ترا گوشمالی خواهد داد و در یوزه در این و آن خواهد کرد و به ذلت و پیچارگی خواهد انداخت:

مور تلاشگر از کوتاه بودن عمر بهار و طبیعت خبر می دهد و بلبل را از تن آسانی و از دست دادن فرصت در زمان کار و کوشش بر حذر می دارد و بیان می کند که دوش او هیچ گاه بدون بار نخواهد بود:

نغمه مرغ سحری هفته ایست	قهقهه کبک دری هفته ایست
تو به سخن تکیه کنی، من به کار	ما هنر اندوخته ایم و تو عار
کارگر خاکم و مزدور باد	مزد مرا هر چه فلک داد، داد
کار خود، ای دوست نکو می کنم	پارگی وقت رفو می کنم
شبچره داریم شب و روز چاشت	روزی ما کرد سپهر آنچه داشت
سر نهادیم به بالین کس	بالش ما همت ما بود و بس
رنجه کن امروز چو ما پای خویش	گرد کن آذوقه فردای خویش

(همان: ۴۹)

بلبل مست از عشق گل، به سخنان مور توجهی نکرد تا اینکه موسم بهار سپری شد و زمستان در میدان طبیعت به جولان درآمد. بلبل که توشه ای در منزل خود نداشت، خانه مور را در پیش گرفت و از او درخواست آذوقه کرد اما مور به او پاسخ داد:

رو که در خانه ی خود بسته ایم	نیست گه کار، بسی خسته ایم
دانه و قوتی که در انبان ماست	توشه سرمای زمستان ماست
رو بنشین تا که بهار آیدت	شاهد دولت به کنار آیدت
مورچه گر وام دهد، خود گداست	چون تو در ایام شتا، ناشتاست

(همان: ۵۰)

کار و کوشش یکی از پربسامدترین موضوعات دیوان پروین است که هم در قصاید و هم در قطعات پروین جلوه گر گشته است.

۷- نتیجه‌گیری

نتایجی که از این پژوهش حاصل شده این است که پروین سخن سرای بزرگی است و شعرش صلابت، ظرافت، فخامت دارد؛ شیرین و مستحکم و جاندار و پر معنی است. در نظام فکری او کار و کوشش از اهمیت بالایی برخوردار است و جوهر و اساس هستی و در همه عالم جاری و ساری است. دوران جوانی بهترین زمان کار و کوشش است و گدایان کاهل مثل مگسی هستند که هر جا خوانی گسترده شود سفره‌گدایی شان آنجا پهن است. پروین سرزنش قضا و قدر را نشانه تنبلی و غلط می‌داند و از نظر او کامیابی به تلاش و همت وابسته است و کاردانی و آگاهی از نوع و کم و کیف کار، از عوامل موفقیت در کار است. او بدین باور است که تا انسان زنده است و قدرتی در بدن دارد باید بکوشد و ناله و شکایت گدایان کارگریز و تن‌آسای بی‌جهت است؛ چراکه خوان کرم خداوند همیشه و در همه جا گسترده است و هر کس به تناسب تلاش خود از آن بهره‌مند می‌شود.

او معتقد است که کار و وقت از هم جدایی ناپذیرند. او به شرافت کار قایل است و آن را عامل رستگاری و فرصت‌کشی را نوعی دزدی و به تأخیر انداختن کارها را از تنبلی می‌داند. پروین کارگر را محترم می‌شمارد و باور دارد که حقوق کشاورزان و رنجبران پایمال می‌شود. او گنج را حق کسی می‌داند که رنج می‌برد و کوشش در بیان او بهترین گنج است. وی مثنوی‌ها، قطعات، تمثیلات و قصاید مختلف می‌سازد و با خلق صحنه‌های مناظره و نوشتن متن گفتگوها و استفاده از صنعت سؤال و جواب

ارزش و فواید کار و کوشش را نشان می دهد و با تشکیل گروه های کارگری می دهد و بهره گیری از نماد و تمثیل در مناظرات مرغ، مور، مار، بلبل، عنکبوت و گربه می کوشد تا به تفهیم مطلب و اقناع مخاطب نایل آید.

منابع

قرآن کریم

- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۷۳): *غررالحکم و درر الکلم*، ج ۱ و ۲. چاپ پنجم. انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتصامی، پروین (۱۳۸۹): *دیوان پروین اعتصامی*، با مقدمه ملک الشعرا ی بهار. چاپ نهم. نشر ثالث.
- اکبری، منوچهر (۱۳۸۶): *مجموعه مقالات تکوین پروین اعتصامی*، چاپ اول. انتشارات خانه کتاب.
- برهانی، سید محمد (۱۳۸۵): *جهان بینی توحیدی در شعر پروین اعتصامی*، چاپ اول. انتشارات نسل نو اندیش
- توپچی پور، محمد تقی (۱۳۸۴): *تربیت از دیدگاه پروین اعتصامی*، چاپ اول. انتشارات منشور.
- چاووش اکبری، رحیم (۱۳۷۸): *حکیم بانوی شعر فارسی*، چاپ اول. نشر ثالث.
- حمیدیان، سعید (۱۳۷۳): *نقد پروین*. نشریه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، ۵: ۵۵-۸۶.

- دامادی، سید محمد (۱۳۷۰): *تقابل صورت و معنی در جهان بینی عارفانه*. مجله کیهان فرهنگی، سال هشتم، ۷۷: ۵۶-۵۸.
- دریا (۱۳۳۲): پروین اعتصامی، *نشریه زبان و ادبیات*، ۲: ۶۸-۸۰.
- دشتی، محمد (۱۳۸۶): *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ ششم. قم، نشر ایدون
- دهباشی، علی (۱۳۷۰): *یادنامه پروین اعتصامی*، چاپ اول. نشر دنیای مادر.
- سبزیان پور، وحید. باقری، مریم (۱۳۸۹): *همت و کار مضاعف در دیوان پروین اعتصامی*، کتاب ماه ادبیات، سال چهارم، ۲۴: ۲۰-۱۳.
- فخر اسلام، بتول (۱۳۸۵): *بن مایه های قصاید پروین اعتصامی*، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، سال سوم، ۱۲ و ۱۱: ۸۰-۹۱.
- فیوضات، سید ابراهیم و مبارکی، محمد (۱۳۸۷): *فرهنگ کار و سرمایه صنعتی در ادبیات ایران*، فصلنامه شناخت، سال هفدهم، ۵۷: ۳۱۶-۲۷۹.
- کرمی، علی (۱۳۸۶): *ترجمه نهج الفصاحه*، چ هشتم، قم، انتشارات حلم.
- معین، محمد (۱۳۸۶): *فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)*، چاپ اول. نشر کتاب آراد.
- یکتایی، مجید (۱۳۱۸): *کار و زندگی*، تهران، کتاب فروشی علمی.

